

# Jurisprudential Study of Use, Leading to Loss of Embryonic Stem Cells in Preventive Studies and Treatment of Disability

Javar H<sup>1</sup>, \*Mousavi Vaez SR<sup>2</sup>

**Author Address**

1. Assistant professor of the Academic Board of Tehran University, Farabi Campus, Qom, Iran;

2. MSc of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Farabi Campus of the University of Tehran and a student of the fourth level of the seminary of Qom, Qom, Iran.

\*Corresponding Author E-mail: [reza.musavi.vaez@ut.ac.ir](mailto:reza.musavi.vaez@ut.ac.ir)

**Received:** 2017 February 25; **Accepted:** 2019 February 10

## Abstract

**Background & Objectives:** This paper aimed to investigate the jurisprudence of various uses of embryonic stem cells that cause fetal death. Fetuses, i.e., prepared through Vitro by in vitro fertilization and maintained frozen were considered. In this article, Shiite jurisprudence was examined in the context of preventive studies as well as the treatment of the relevant disability.

**Methods:** Based on the accepted propositions in the Qur'an, Sunnah, reason, and consensus in Shiite jurisprudence and principles, possible challenges, and dissenting opinions on issues, such as prevention, abortion, and other related concepts extracted from jurisprudential sources were reviewed.

**Results:** The obtained data provided divisions for a better understanding of the rules of Sharia and the acceptance of the prohibition of intentional extermination of the fetus at each stage of its development in the mother's womb, as well as the sanctity of using fertilization for insemination.

**Conclusion:** By rejecting the alleged reasons for the sanctity of use, leading to the loss of the fetus, based on the principle of innocence, it is impermissible to use a fertilized fetus outside the uterus for sexual purposes. Besides, it has been proved that it is impossible to maintain it until becoming a human.

**Keywords:** Fetal loss, Stem cells, Embryonic stem cells.

## بررسی فقهی استفاده منجر به تلف از سلول‌های بنیادی جنین در مطالعات پیشگیرانه و درمان ناتوانی

حسین جاورا،\* سیدرضا موسوی واعظ<sup>۲</sup>

توضیحات نویسندگان

۱. استادیار دانشگاه تهران پردیس فارابی، قم، ایران؛  
۲. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران و طلبة سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران.  
\*رایانامه نویسنده مسئول: reza.musavi.vaez@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۷ اسفند ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۲۱ بهمن ۱۳۹۷

### چکیده

**زمینه و هدف:** این مقاله با هدف بررسی فقهی استفاده‌های متنوع منجر به تلف از سلول‌های بنیادی جنین که به روش‌های لقاح خارج از رحم تهیه و به صورت فریز شده نگهداری می‌شود در مطالعات پیشگیرانه و درمان ناتوانی، از نظر فقه شیعه نگارش شد.  
**روش بررسی:** با استناد به گزاره‌های پذیرفته شده در قرآن، سنت، عقل و اجماع در فقه و اصول شیعه، چالش‌های محتمل و آراء مخالف در مسائلی مثل جواز عزل و سقط جنین و دیگر مفاهیم مرتبط، از منابع فقهی استخراج و نقد و بررسی شد.  
**یافته‌ها:** تقسیماتی برای فهم بهتر اطلاق احکام انسان و پذیرش ممنوعیت تلف عمدی جنین در هریک از مراحل رشد آن در رحم مادر و نیز حرمت لقاح با هدف تلقیح صورت گرفت.  
**نتیجه‌گیری:** با نفی ادله ادعا شده در تحریم استفاده منجر به تلف از جنین با استناد به اصل براءت جواز استفاده از جنین لقاح یافته در خارج از رحم که با هدف تناسلی انجام گرفته و امکان عملی حفظ آن تا تبدیل شدن به انسانی وجود نداشته، ثابت شده است.  
**کلیدواژه‌ها:** اتلاف جنین، سلول‌های بنیادی، بن یاخته‌های رویان.

سلول‌های بنیادی<sup>۱</sup> توانایی نوزایی ذاتی و ایجاد سلول‌های تمایز یافته را دارند (۱). گفته شده است که سلول بنیادی موجود در بافت‌های غیرجنینی می‌تواند تنها انواع محدودی از سلول‌ها را ایجاد کند؛ در حالی که سلول‌های جنینی قادر است همه سلول‌ها شامل سلول‌های جنین و سلول‌های جفت آن را بسازد؛ مثل بلاستومرهای جنین دوسلولی که می‌تواند تبدیل به انسانی کامل شود (۲).

این سلول‌ها پتانسیل تشکیل تراتوکارسینوما و نیز تمایز در محیط آزمایشگاهی را دارد. هریک از این سلول‌ها می‌تواند کلونی تشکیل دهد و با تمایز از هم، دارای قابلیت تولید مشتقات سه لایه زاینده اکتودرم و مزودرم و اندودرم است (۲). سلول‌های بنیادی جنینی در مطالعات زیست‌شناسی تکوینی، توان بخشی با پیوند اعضا، توسعه داروسازی و شناخت ناهنجاری‌ها اهمیت به‌سزایی دارد (۱)؛ از این رو بسیار تحت رغبت محققان و پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم تجربی قرار گرفته است.

یک‌هدف بسیار مهم از تحقیق بر سلول‌های بنیادی جنینی تکوین سلول‌های تخصصی نظیر نورون‌ها، سلول‌های عضلانی قلب، اندوتلیال عروق، سلول‌های مولد انسولین و نظایر آن است (۳)؛ بنابراین تحقیقات هدف‌مند بر سلول‌های بنیادی جنینی با پتانسیل فراوانی که در ترمیم و جایگزینی سلول‌ها و بافت‌های آسیب‌دیده و پیشرفت درمان‌های نو به‌خصوص در عرصه توان بخشی داشته، بسیار حیاتی به‌نظر می‌رسد (۳).

چنان‌که برخی بیان کرده‌اند از جمله مزایای سلول‌های بنیادی جنینی در مقایسه با منشأهای دیگر سلول‌های بنیادی مثل بندناف، توانایی تقسیم نامحدود آن‌ها در محیط آزمایشگاهی و تمایز بسیار و امکان انجماد طولانی مدت است (۴)؛ به‌طوری‌که اشتیاق محققان را برای مطالعه گسترده بر آن‌ها فزونی می‌بخشد.

محققان با مطالعه نمونه‌های حیوانی اثبات کرده‌اند که پیوند سلول‌های بنیادی جنینی در درمان موفق بسیاری از بیماری‌های مزمن نظیر پارکینسون، دیابت و آسیب نخاعی، دیستروفی ماهیچه‌ای، نقصان کبدی یا قلبی و امراض استخوانی تأثیرگذار است (۵،۶).

به برکت پیشرفت علمی و عملی در مطالعات ناتوانی و درمان از طریق پیوند انسانی مشکلات فراوانی حل شده است؛ اما موانع بسیاری در کاربرد وسیع پیوند اعضا تحت این موقعیت، همچون داروهای مختل‌کننده سیستم ایمنی برای جلوگیری از پس‌زدن بافت پیوندی و نیز محدودیت اهداکنندگان عضو وجود دارد (۴). سلول‌های بنیادی جنینی منبع نامحدود و در دسترس است که علاوه بر امکان تغییر ژنتیکی در آن، امکان تولید هر سلول یا بافت دلخواه را فراهم می‌آورد؛ از این رو گفته می‌شود تحقیقات بر سلول‌های بنیادی جنینی دانش توان بخشی، زیست‌شناسی تکوینی، داروشناسی و بسیاری علوم دیگر را متحول خواهد کرد (۷).

موضوع استفاده از جنین در تحقیقات آزمایشگاهی ضمن اهمیت آن در پیشرفت‌های علمی در پیشگیری و درمان ناتوانی، از نظر فقهی نیز مسائل خاص خود را دارد؛ زیرا به‌دلایل اصولی و علمی مراحل و

دوران‌های خاصی را طی می‌کند که از نظر فقهی دارای آثار خاصی بوده و تفکیک این مراحل و موضوعات آن و در نتیجه تعیین تقویمی فقهی برای استخراج حکم حاصل از مباحث شرعی، ضروری است.

محقق و پژوهشگر علوم تجربی در فرایند تحقیقی خود در چند مرحله با محدودیت‌ها و هنجارهای فقهی روبه‌رو می‌شود که بررسی دقیق قواعد و احکام هریک قبل از قانون‌گذاری حقوقی و اقدام عملی ضرورت دارد. بدیهی است از یک سو بی‌توجهی به قوانین شرع در خصوص اخلال در اکوسیستم طراحی‌شده خالق بی‌همتا و زیان‌های جبران‌ناپذیر اخلاقی و اجتماعی و از سوی دیگر سخت‌گیری غیرعالمانه، عقب‌افتادگی علمی را در پی خواهد داشت. به‌همین دلیل بررسی بی‌تعصب ادله فقهی و بحث تخصصی و فنی هر مرحله ضروری است. این توضیح لازم است که پژوهش حاضر صرف‌نظر از ادله ثانوی بوده که امکان دارد براساس آن حکم به ممنوعیت و عدم جواز کرد؛ مانند اینکه اثبات شود ضررهای درخور توجه و عوارض جانبی در هر مرحله وجود دارد که حکم آن در فقه روشن است و نیاز به تذکر ندارد.

با توجه به موارد که گفته شد، هدف این پژوهش بررسی فقهی استفاده‌های متنوع منجر به تلف از سلول‌های بنیادی جنین که به روش‌های لقاح خارج از رحم تهیه و به‌صورت فریز شده نگهداری می‌شود در مطالعات پیشگیرانه و درمان ناتوانی، از نظر فقه شیعه بود.

## ۲ روش بررسی

با استناد به گزاره‌های پذیرفته‌شده در قرآن، سنت، عقل و اجماع در فقه و اصول شیعه، چالش‌های محتمل و آراء مخالف در مسائلی مثل جواز عزل و سقط جنین و دیگر مفاهیم مرتبط، از منابع فقهی استخراج و نقد و بررسی شد.

مراحلی که پژوهشگران معمولاً با آن‌ها در ارتباط‌اند در ذیل قید می‌گردد.

– موضوع اول – مرحله تحصیل: پژوهشگر در این مرحله به دنبال استحصال سلول جنسی برای تلقیح آن و به‌وجود آوردن جنینی حاوی سلول‌های بنیادی است. به‌یمن پیشرفت عمومی کشور در تأسیس مراکز رویان و کثرت مراکز درمانی ناباروری که با هدف تولید مثل این کار را انجام می‌دهند و وفور بسته‌های اضافی تلقیح‌شده، محقق از تحصیل مستقل این سلول‌ها برای اهداف تحقیقاتی خود بی‌نیاز است؛ اما در مواقعی پژوهشگر ترجیح می‌دهد نمونه‌های تحقیق خود را مستقیماً و با رعایت امور خاص مطالعه خویش فراهم آورد که در این صورت مواجه می‌شود با سلولی که به‌عنوان عضو متعلق به یک انسان، تحت تدقیق فقهی قرار گرفته است و بدین جهت اکثراً ضوابط تنظیم‌شده در این باره، مربوط به تکلیف شخص صاحب سلول‌ها و پژوهشگر نمونه‌بردار است. مختصات فقهی ویژه، به‌طور عمده درگیر با نظام بشری یا تشریحی نیز در این میان مطرح است.

بیشتر مباحث مربوط به این مرحله شامل اهدا یا خرید و فروش، داشتن یا نداشتن جنبه مالی، چگونگی تحصیل این سلول‌ها بدون مصادف بودن با حرام (مثل آنکه برای انجام نمونه‌برداری مرتکب لمس و نظر حرام شود) و تصرف یا نبود تصرف در فروج است.

1. stem cells

موضوع دوم - مرحله لقاح و ایجاد رویان: مباحث جدی‌تر مربوط به جنین آزمایشگاهی در این مرحله از روند تحقیقات مطرح می‌شود؛ چراکه صرف نظر از رویکرد شارع درباره آغاز حالت جنینی یا قابلیت بقا، عمدتاً تلقی عرفی و حتی علوم زیستی از این مرحله، شروع یک انسان با آثار و احکام تکلیفی و وضعی وی است.

لذا در این مرحله مباحث مربوط به جواز یا عدم جواز، شرایط آن، کیفیت ایجاد سلول نخستین جنین (طبیعی یا به صورت انتقال سلول جنسی) و غرض از انجام لقاح که می‌تواند مانند مقاصد تحقیقاتی با هدف درمان یا توان بخشی و پیشگیری از ناتوانی، مشروع یا مثل تحقیق برای شبیه سازی انسان نه برای مقاصد درمانی بلکه تناسلی که از دیدگاه برخی نامشروع بوده، وجود دارد (۸).

ایجاد رویان صرفاً برای تحقیقات یا استفاده از سلول‌های بنیادی از این جهت که سلول‌های لقاح یافته در مواقعی مثل به کارگیری به عنوان سلول‌های بنیادی در فرایند درمانی و توان بخشی منجر به تلف آن‌ها می‌شود از دو منظر فقهی تأمل برانگیز است؛ نخست آنکه لقاح به منظور دیگری جز تناسل و تولید مثل مشروع است یا نه؟ و دوم در مرحله استفاده از آن چون مساوی با تلف موجودی می‌باشد که قابلیت تبدیل شدن به انسان را داشته، از نظر احکام اسلامی چگونه است؟

موضوع سوم - مرحله استفاده از سلول‌های بنیادی: در این بخش که مرحله پرچالش‌تر درگیری پژوهشگر با بایسته‌های شرعی است، از آنجاکه او با استفاده از سلول‌های جنین به عنوان بن یاخته، آن را از ماهیت اصلی خارج کرده و موجب تلف آن می‌شود، شبهاتی در جهت تضاد با اخلاقیات و احکام شرع وجود دارد که بررسی دقیق ادله ممنوعیت، حیطة قانونی فرایند تحقیقاتی را مشخص می‌کند.

موضوع چهارم - شأنیت تبدیل شدن به انسان: نخستین ادعا برای حکم به حرمت دستبرد به سلول‌های بنیادی جنین، تلف موجودی است که شأنیت تبدیل شدن به انسانی کامل را دارد؛ بنابراین باید معلوم شود تشخیص شروع یک موجود انسانی که قابلیت اعطای شخصیت از نظر شرعی را داشته، کدام مرحله است. برخی از بدو شکل گیری و تشکیل جنین، آن را موجودی زنده و در حال تکامل می‌دانند (۹). از سوی دیگر عده‌ای هم اعطای شخصیت انسانی را تا آغاز ولادت به تأخیر می‌اندازند. براساس این دیدگاه، جنین تا قبل از تولد از حق زنده ماندن نیز برخوردار نیست. به گفته جودیت تامسون نظریه پردازان یهودی امروز بر این نظریه منسوخ اعتقاد دارند (۷).

### ۳ بحث

در اینکه تحصیل سلول‌های جنینی انسان برای اهداف تحقیقاتی چه از طریق خودارضایی طبیعی و چه با استفاده از دستگاه‌های کمکی نظیر ویرباتور ممنوع بوده، اختلافی بین فقها نیست. فقهای شیعه برای استدلال به حرمت آن به عموم آیات حفظ فروج (مثل آیات ابتدایی سوره مؤمنون) استدلال فرموده‌اند و می‌توان گفت در این خصوص اجماع است (۱۰). عناوین ثانویه مثل اضطراب و عسرو حرج نیز مجرایی برای حکم به حرمت با اهداف تحقیقاتی ندارد؛ مگر آنکه هدف از پژوهش درمان بیماری جدی شخص اهداکننده باشد.

پژوهشگر می‌تواند برای به دست آوردن سلول‌های جنینی از اهداکننده نمونه بخواهد با نزدیکی منقطع با همسر شرعی خود اقدام کند یا از

عمل جراحی برای نمونه برداری با دو شرط انتقال لمس و نگاه حرام و عدم ضرر معتنا به استفاده نماید.

در پاسخ به موضوع دوم باید گفت احکام و ادله شرعی بر فرضی که لقاح غیر تناسلی همراه با فعل حرامی مثل آمیزش، ارضاء، لمس و نظر حرام نباشد، در مقابل آن ساکت بوده و با تمسک به قاعده قبح عقاب بلا بیان و مجرای اصل اباحه (یا براهت) و محکوم به حرمت خواهد بود (۱۱)؛ علاوه آنکه نطفه ملقحه در محیط آزمایشگاهی فرقی با غیر ملقحه ندارد و در حکم همان است و تلف آن تا قبل از لانه گزینی در رحم به منزله عزل می‌باشد که فقها عمدتاً قائل به جواز آن هستند و روایاتی نیز که در باب تجویز عزل در وسائل الشیعه آمده، ناظر به همین است (۱۲)؛ بنابراین محقق در خصوص تلقیح دو سلول جنینی در محیط آزمایشگاهی می‌تواند جنینی را تولید کرده و با شرایطی که در مرحله استفاده توضیح داده خواهد شد آن را به مصرف پژوهش خود برساند؛ بی آنکه مرتکب حرامی شده باشد. البته شکی نیست که استفاده از سلول جنینی بدون رضایت صاحب آن مخالف قاعده تسلط و ممنوع است؛ مگر آنکه از اسپرم‌های مجهول استفاده شود.

از این گذشته در اینکه آیا محقق می‌تواند از زوج شرعی، تقاضای انعقاد طبیعی نطفه کند و با توافق ایشان قبل از دمیدن روح، جنین حاصل را برای کاربردهای پژوهشی یا استفاده منجر به تلف از سلول‌های بنیادی آن، از رحم خارج نماید، مبتنی بر جواز یا حرمت سقط جنین است و فی نفسه دلیلی بر حرمت هدف غیر تناسلی از تلقیح وجود ندارد؛ از این رو نمی‌توان حکم به حرمت آمیزش با همسر شرعی برای تلقیح با هدفی خاص داد.

در باب موضوع چهارم در حالی که این پندار، دارای ضدیت جدی با یافته‌های علمی و بدیهیات علوم تجربی است که جنین پس از ولوج روح هیچ تفاوتی با انسان زنده ندارد (۹).

قرآن کریم (مؤمنون/ ۱۲ و ۱۳ و ۱۴)، دوران جنینی انسان را در شش مرحله تبیین کرده و مرحله متمایز ششم را نقطه عدم و خلقت دوباره نامیده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ».

ترجمه آن عبارتست از: و یقیناً ما انسان را از [عصاره و] چکیده‌ای از گل آفریدیم. سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر] قرار دادیم. آن‌گاه آن نطفه را علقه گردانیدیم؛ پس آن علقه را به صورت پاره‌گوشتی درآوردیم؛ پس آن پاره‌گوشت را استخوان‌هایی ساختیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و با برکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است (ترجمه: انصاریان).

بنابراین می‌توان گفت که ظهور شخصیت انسانی از این مرحله آغاز می‌شود. بر همین اساس فقهای مذاهب اسلامی سقط جنین را در این مرحله به مثابه قتل نفس دانسته‌اند و حتی در صورت وجود خطر جانی برای مادر، سقط جنین بعد از ولوج روح را به آسانی نپذیرفته‌اند؛ حتی اگر متکون از زنا باشد (۱۳)؛ البته نافی این مطلب هم نیست که نظریه پردازان شیعه، نطفه را از آن هنگام که در مسیر بروز و ظهور حیات

انسانی قرار گرفت، دارای حقوقی دانسته و سقط بی دلیل جنین را حرام و مستوجب کفاره و دیه برشمرده‌اند. استدلال ایشان این است که سهم الارث جنین در این مرحله، تعیین شده و از پدرش ارث می‌برد (۸، ۱۴).

بنابراین برداشت و استفاده جنین سالمی که تهدیدی بر جان مادر نیست حتی به بهانه خدمت به علم و به‌کارگیری مفید از سلول‌های بنیادی آن در درمان بیماری یا توان بخشی به ناتوان توجیه نمی‌شود و مصداق سقط عمدی جنین و در تضاد با مصالح پذیرفته‌شده اخلاقی و عرفی و در نتیجه حرام شرعی است.

در همین حال جنین لقاح‌یافته در خارج رحم از آنجاکه کشت و نگهداری بسته‌های اضافی تلقیح‌شده در مراکز ناباروری تا تولد یک‌انسان که مساوی با تولید انبوه انسان بوده، منجر به عسرو حرج جدی یا عرفاً غیرممکن است هدر و نابودی آن جایز شمرده می‌شود؛ بنابراین استفاده مفید برای تحقیقات یا به‌کارگیری سلول‌های بنیادی موجود در معرض تلف، به طریق اولویت جایز است.

تنقیح مناط ادله سقط جنین: آیات متعددی از قرآن کریم در بحث از حرمت سقط جنین تحت استناد قرار گرفته است. آیاتی که به‌طور کلی حرمت قتل نفس را بیان می‌دارد؛ نظیر آیه ۳۲ سوره مائده، آیه ۱۵۱ سوره انعام، آیه ۲۹ سوره نساء و آیه ۶۸ سوره فرقان. برخی بر مبنای این آیات، سقط جنین را یکی از مصادیق قتل نفس دانسته‌اند (۱۳، ۱۵).

دلالت این آیات بر سقط عمدی جنینی بعد از ولوج روح واضح است و با عموم خود نیز ملاک کلی به‌دست می‌دهد که نابودی عمدی جنین را در هر زمان از عمر او ممنوع می‌کند؛ لکن همه آیات و روایات این باب منصرف به جنین در رحم است نه استفاده و تلف نطفه ملقحه خارج از رحم که قبل از کشت در رحم امید به رشد و بقای آن نیست.

شاید اشکال شود در صورت پیشرفت‌های علمی احتمال دارد امکان پرورش نطفه تا زمان ولوج روح ممکن شود. در این حالت چگونه می‌توان بین نطفه خارج رحم و داخل رحم تفاوت قائل شد؟

پاسخ این است: هر دلیلی که به استناد آن عزل نطفه را جایز می‌دانیم درباره نطفه ملقحه که اکنون نام جنین بر آن نهاده‌اند نیز صادق بوده و اگر قابلیت تبدیل شدن به انسان و شأنت بقا و تولید انسان صرفاً منجر به حکم به وجوب حفظ آن شود، باید عزل و هدر نطفه را با امکان حفظ آن به وسیله انجماد و ابزار پزشکی واجب دانست؛ حال آنکه کسی ملتزم به این مطلب نیست.

بنابراین حفظ نطفه ملقحه خارج از رحم دلیلی بر وجوب حفظ و پرورش یا کاشت آن در رحم نخواهد داشت؛ پس محقق می‌تواند سلول‌های بنیادی آن را در هر جهتی که می‌خواهد مصرف و حتی آن را نابود کند.

دخل و تصرف در شئون مربوط به خالق: سوم به مصداق آیه کریمه «وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (سوره اسراء، آیه ۳۶)، دخالت بی‌جای انسان در اموری که مربوط به شئون الهی بوده و انسان‌ها حق دخالت در آن را نداشته، نهی شده است؛ بنابراین کسانی که به‌وسیله استفاده ابزاری از نطفه ملقحه خارج از رحم، در مقام دخل و تصرف در شئون الهی برآمده، مرتکب گناه شده‌اند.

این موضوع را می‌توان چنین نقد کرد که نخست بر فرض برداشت

چنین معنایی از آیه، اینکه استفاده منجر به تلف از نطفه لقاح‌یافته خارج از رحم از شئون الهی بوده، ثابت نیست تا کبرای کلی قضیه بر آن صادق باشد؛ ضمن آنکه چنین استفاده‌هایی نوعاً در جهت خدمت به مخلوقات الهی است و بر هدر و اتلاف آن فضیلت دارد.

از سوی دیگر دخل و تصرف در مخلوقات الهی مثل تخریب کوه یا جابه‌جایی ابر تصرف در شئون الهی نه بما هو شارع است و نه بما هو خالق و عزل نطفه یا ترکیب شیمیایی دو عنصر یا تلقیح دو سلول و استفاده از آن در مصارف علمی یا درمانی نیز هرگز مصداق دخالت در شئون الهی نیست.

تعیین دیه در روایات: روایتی از محمد بن یعقوب به اسنادش از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود: «دیه منی مرد تا زمانی که به جنین تبدیل شود، پنج جزء است...» (۱۲). گروهی از فقها، از جمله محقق حلی نیز مطابق مضمون همین روایت فتوا داده‌اند (۱۶).

از ابی‌عبدالله (ع) نقل شده است که فرمود: «در نطفه بیست دینار، در علقه چهل دینار، در مضغه شصت دینار و در [جنین دارای] استخوان هشتاد دینار [دیه] است و اگر گوشت بر استخوان رویید، صد دینار و تا وقتی که به دنیا آید، دیه‌اش همین صد دینار است؛ اما پس از به دنیا آمدن، دیه‌اش کامل است...» (۱۲).

اسحاق بن عمار می‌گوید: «به ابی‌الحسن (ع) گفتم: زنی از بارداری می‌ترسد؛ دارویی می‌نوشد و بچه‌اش را می‌اندازد. [آیا این عمل جایز است؟] امام فرمود: نه. گفتم: آنچه می‌اندازد نطفه است. فرمود: اولین چیزی که خلق می‌شود، نطفه است.» (۱۲).

صاحب وسائل، قول به تحریم را اختیار کرده است؛ زیرا این گفتار را «باب حرمت نوشیدن دارو از سوی زن به منظور انداختن حمل، گرچه نطفه باشد» نامیده است؛ گرچه در این باب، بیش از یک حدیث نقل نمی‌کند (۱۲).

صرف نظر از کیفیت سندی این دسته روایات و حدود و ثغور حجیت آن‌ها، تعیین دیه در این روایات مربوط به دوره پس از لانه‌گزینی و قرارگرفتن در روند طبیعی رشد جنین در رحم مادر است؛ حال آنکه فرض استفاده از جنین لقاح‌یافته در خارج از رحم پیش از لانه‌گزینی است. روایات مربوط به تعیین دیه برای نطفه نیز حمل بر استحباب شده است؛ علاوه آنکه تعیین دیه برای تلف ملازمه‌ای با حرمت آن ندارد.

ادله حرمت عزل: چندین روایت صحیح، عزل را جایز شمرده است. در بعضی از روایات تعبیر به کراهت شده که ممکن است کراهت اعم از حرمت و کراهت اصطلاحی باشد؛ ولی فقها آن را حمل بر کراهت اصطلاحی کرده‌اند؛ بنابراین مبادرت به عزل با عدم اذن و عدم اشتراط حین عقد مکروه است. ادله اقامه‌کرده قائلان به حرمت عزل، عبارت است از: الف: اجماع؛ ب: روایات؛ ج: احتیاط؛ د: ثبوت و وجوب دیه نطفه به سبب عزل. در مجموع با رجوع به ادله و مبانی دینی و اقوال فقها، جواز عزل برداشت می‌شود. حتی غالب اهل سنت قائل به جواز عزل شده و نهایتاً این عمل را مکروه می‌دانند و ادله‌ای که بر حرمت عزل اقامه‌شده، مخدوش است؛ ضمن آنکه حرمت عزل ملازمه‌ای با حرمت تلف جنین‌های متعدد خارج از رحم که با استناد به عسرو حرج

و عناوین ثانوی حکم به جواز هدر آن شده، ندارد.

#### ۴ نتیجه‌گیری

استخراج نطفه منقده از رحم مادر در حکم سقط جنین است و اهداف تحقیقاتی آن را توجیه نمی‌کند؛ اما جنینی که از تلقیح خارجی حاصل شده بر فرض آنکه نگهداری و رشد آن توسط تکنیک‌های علمی ممکن فرض شود، تا آن زمان که نطفه منقده یا پاره‌ای گوشت است به دلیل عدم صدق انسان، به مثابه هریک از اندام‌های قطع شده از بدن انسان مثل قرنیه یا کلیه بوده و وجود نبض و ضربان نیز عنوان آن را عوض نمی‌کند؛ چنان‌که قلب یا هر عضو مقطوع انسان ممکن است تا مدتی نبض داشته باشد؛ بنابراین از آنجا که هنگام شک در تکلیف و شبهات حکمیہ اعم از وجوبیه یا تحریمیہ باشد، ادله براهت عقلی و نقلی جاری می‌شود و باتوجه به هنگامی که مایوس از علت قطعی بر حرمت شدید مجرای اصاله الاباحه و حکم به حلیت است؛ دلیلی بر حرمت استفاده منجر به تلف از جنین خارج از رحم پیش از انتقال آن به رحم با اجازه صاحب آن وجود ندارد. بنابراین استفاده‌های تحقیقاتی و پژوهشی یا به‌کارگیری سلول‌های

بنیادی در درمان یا اقدامات پیشگیرانه از ناتوانی محدودیت شرعی ندارد. این تا زمانی است که بر فرض امکان و دستیابی علم، جنین از نظر اجزاء به شکلی در نیامده باشد که صدق عنوان انسان بر او ممکن شود؛ در این صورت حتی با عدم حلول روح حکم به جواز منع از رشد عادی تا تبدیل شدن به انسانی کامل بعید است. گرچه این فرض تاکنون تحقق خارجی پیدا نکرده است و حکم به جواز استفاده منجر به تلف از سلول‌های بنیادی جنین در روزهای نخستین که مورد بحث و دارای ثمرات متعدد فعلی و عملی بوده، با شرایط آن دارای حرمت شرعی نیست.

#### ۵ تشکر و قدردانی

از هیئت تحریریہ مجله مطالعات ناتوانی که بستر ارائه مقالات میان‌رشته‌ای مرتبط با فقه و حقوق را فراهم آورده‌اند، کمال تشکر را داریم.

#### ۶ بیانیه

نویسندگان اعلام می‌دارند تضاد منافی در این پژوهش وجود نداشت.

#### References

1. Smith AG. Embryo-derived stem cells: of mice and men. *Annu Rev Cell Dev Biol.* 2001;17:435–62. doi: [10.1146/annurev.cellbio.17.1.435](https://doi.org/10.1146/annurev.cellbio.17.1.435)
2. Wagers AJ, Weissman IL. Plasticity of adult stem cells. *Cell.* 2004;116(5):639–48. doi: [10.1016/s0092-8674\(04\)00208-9](https://doi.org/10.1016/s0092-8674(04)00208-9)
3. Odorico JS, Kaufman DS, Thomson JA. Multilineage differentiation from human embryonic stem cell lines. *Stem Cells.* 2001;19(3):193–204. doi: [10.1634/stemcells.19-3-193](https://doi.org/10.1634/stemcells.19-3-193)
4. Shambloott MJ, Axelman J, Littlefield JW, Blumenthal PD, Huggins GR, Cui Y, et al. Human embryonic germ cell derivatives express a broad range of developmentally distinct markers and proliferate extensively in vitro. *Proc Natl Acad Sci USA.* 2001;98(1):113–8. doi: [10.1073/pnas.021537998](https://doi.org/10.1073/pnas.021537998)
5. Wichterle H, Lieberam I, Porter JA, Jessell TM. Directed differentiation of embryonic stem cells into motor neurons. *Cell.* 2002;110(3):385–97. doi: [10.1016/s0092-8674\(02\)00835-8](https://doi.org/10.1016/s0092-8674(02)00835-8)
6. Kim J-H, Auerbach JM, Rodríguez-Gómez JA, Velasco I, Gavin D, Lumelsky N, et al. Dopamine neurons derived from embryonic stem cells function in an animal model of Parkinson's disease. *Nature.* 2002;418(6893):50–6. doi: [10.1038/nature00900](https://doi.org/10.1038/nature00900)
7. Baharvand H, Kazemi AS. Embryonic stem cells: Concepts and potentials. *Cell Journal (Yakhteh).* 2005;7(3):178–93. [Persian] <https://celljournal.org/journal/article/fulltext/embryonic-stem-cells-concepts-and-potentials.pdf>
8. Moosavy Sabzevari SA. Al-Aistinsakh byn Altaqnyat wa Al-Tashry. Qom: Daftar Ayatollah Ozma Sayyed Abd al-Ali Musawi Sabzwari Publication; 2002. pp:1423. (vol 2). [Arabic]
9. Kharazi SM. Control jameiat va aghim sazi [Population control and sterilization]. *Journal of Fiqh Ahl al-Bayt.* 2001; (22):31–58. [Persian]
10. Al-Shaykh al-Tusi. Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyya. Tehran: Al-Maktabat al-Murtadawiyya; 1967, pp:242. (vol 4). [Arabic]
11. Ansari M. Fara'id al-Usul. Qom: Majma al-Fekr Publication; 1999, pp:17–20. (vol 2). [Arabic]
12. Shaikh al-Hur al-Aamili. Wasā'il al-Shi'a. Qom: Al-Albayt Publication; 1993, pp: 312–3. (vol 29). [Arabic]
13. Khomeyni SR. Tawz ihulmasael with Fatva by: Khuei Golpaygani Araki Fazel Tabrizi Sistani Khamenei Safi Makarem. Qom; 2007.
14. Khuei SA. The principles of the strongest way route in science and jurisprudence. Najaf. *Alnoman.* 1986, pp: 47-50.
15. Eslamjoo Langerudi H. Your Question & Answers of Bahjat. Qom: Akharin Vasy Publication; 2007, pp: 74. [Persian]
16. Hilli J. Shara'i ul-Islam. Qom: Ismailian Institute Publication; 1988, pp: 264. (vol 2). [Arabic]